



The Use of Subjective Pronouns in Spoken and Written Varieties of Standard Persian: A Corpus-Based Comparison

Maryam Ramezankhani¹, Behzad Rahbar²

1. Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: maryam.rmznkhn@gmail.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: behzadrahbar@atu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 28 Feb 2023

Received in revised form:
09 Apr 2023

Accepted: 10 Apr 2023

Available online: 23 Sep
2023

Keywords:

subjective pronoun,
Standard spoken Persian,
Standard written Persian,
language variety,
subject.

Persian is a Pro-Drop language and allows omission of subjective pronouns. In the present research the use of such pronouns in spoken and written varieties of standard Persian is compared to each other. The data of spoken Persian is gathered from HamBam Corpus of Contemporary Spoken Persian, interviews of oral history projects (Harvard and Artebox), and the talks of Iranian parliament (Majlis). The data for the written variety is gathered from the Persian Syntactic Dependency Treebank. Using corpus-based methods, the study showed that there is no prominent difference in using pronouns in the two varieties. It also indicated that more than half of the pronouns in the spoken Persian emerged as subject; whereas it is no more than one third in the written variety. This means that while talking, the speaker uses subjective pronouns mostly to underscore the subject. The results of this research might be useful for Persian word order studies, those of teaching Persian to non-Persians, and exploring discourse elements of spoken Persian.

Cite this article: Ramezankhani, M., & Rahbar, B. (2023). The use of subjective pronouns in spoken and written varieties of Standard Persian; A corpus-based comparison. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (3), 87-109.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.8199.1657



کاربرد ضمیر فاعلی در گونه فارسی گفتاری و نوشتاری معیار؛ مقایسه‌ای پیکره‌بنیاد

مریم رمضانخانی^۱، بهزاد رهبر^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
رایانامه: maryam.rmznkhn@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
رایانامه: behzadrahbar@atu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

فارسی، زبانی ضمیرانداز است و حذف ضمیر در نقش فاعل را مجاز می‌شمارد. در این پژوهش کاربرد ضمیر فاعلی در دو گونه فارسی گفتاری و نوشتاری معیار با هم مقایسه شده است. داده‌های گفتار طبیعی فارسی از پیکره گفتاری هم‌بام، مصاحبه‌های تاریخ شفاهی (هاروارد و آرت‌باکس) و مذاکرات مجلس شورای اسلامی (دوره هشتم)، و داده‌های نوشتاری از پیکره وابستگی نحوی برگرفته شده است. با استفاده از روش‌های پیکره‌بنیاد، کاربرد ضمیر فاعلی در گفتار و نوشتار فارسی بررسی شد و نتایج به‌دست‌آمده از مقایسه آن‌ها نشان داد که به‌طور کلی میزان کاربرد ضمیر در این دو گونه اختلاف درخور توجهی با هم ندارد؛ اما در جمله‌های فاعل‌آغازی گونه گفتاری بیش از نیمی از ضمیر در نقش فاعل آمده که در گونه نوشتاری این تعداد برابر با یک‌سوم کل ضمیرها است. این امر نشان‌دهنده آن است که گویشور هنگام صحبت کردن در اکثر موارد از ضمیر فاعلی برای تأکید استفاده می‌کند. همچنین ضمیرهای اول شخص در هر دو گونه بیشتر از سایر ضمیرها به کار برده شده است که رابطه مستقیم بین میزان ظهور ضمیر فاعلی و مؤکد بودن آن را تأیید می‌کند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۴۰۲

دسترسی برخط: ۱ مهر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

ضمیر فاعلی،

فارسی گفتاری معیار،

فارسی نوشتاری معیار،

گونه زبانی،

فاعل.

استاد: رمضانخانی، مریم؛ رهبر، بهزاد (۱۴۰۲). کاربرد ضمیر فاعلی در گونه فارسی گفتاری و نوشتاری معیار؛ مقایسه‌ای پیکره‌بنیاد.

مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۱ (۳)، ۸۷-۱۰۹.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2022.8221.1659

۱- مقدمه

زبان به مثابه اصلی‌ترین ابزار برقراری ارتباط در جوامع انسانی است که بل^۱ هفت معیار برای آن برشمرده است: ۱. استانداردسازی؛ فرایندی که به موجب آن یک زبان به صورتی خاص مدون شود؛ مثلاً برای آن دستور زبان یا فرهنگ لغت تدوین شده باشد. ۲. زنده بودن^۳؛ وجود جامعه‌ای از گویشوران که همگی به زبانی خاص تکلم کنند. ۳. تاریخ‌مندی^۴؛ اینکه گروهی از افراد با استفاده از یک زبان خاص احساس هویت و تعلق کنند. ۴. استقلال^۵؛ فرد احساس کند زبان خودش با دیگر زبان‌ها متفاوت است. ۵. تخفیف^۶؛ فرد احساس کند زبانی که به آن حرف می‌زند گونه‌ای از یک زبان دیگر است و نه یک زبان مستقل. ۶. گوناگونی^۷؛ میزان خلوص زبان. ۷. هنجارهای عملی^۸؛ وجود هنجارهایی که به موجب آن‌ها افراد بتوانند کیفیت کاربرد زبان توسط افراد دیگر را بسنجند (بل، ۱۹۷۶: ۵۷-۱۴۷).

زبان همچنین ترکیب متغیر و سیالی از گونه‌های^۹ مختلف است. در زبان‌شناسی اجتماعی «گونه» اصطلاحی خنثی است که در مورد هر زبانی به کار گرفته می‌شود (ترادگیل^{۱۰}، ۲۰۰۰: ۱۷). از این اصطلاح برای اشاره به تنوعات و جلوه‌های گوناگون لهجه^{۱۱}، گویش^{۱۲} و زبان بهره می‌گیرند (سارلی، ۱۳۹۹: ۹). هر زبان دارای گونه‌های فردی، محلی و اجتماعی متفاوت است که به وسیله افراد و گروه‌های اجتماعی گوناگون در مناطق جغرافیایی مختلف و در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون به کار گرفته می‌شود (مدرسی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). همچنین گونه‌های زبانی را می‌توان برحسب انواع کاربرد و کاربرد دسته‌بندی کرد. محل زندگی، طبقه اجتماعی، گروه قومی، سن، جنس، تحصیلات، مذهب و عوامل مشابه دسته اول را شکل می‌دهند. تنوع برحسب کاربرد براساس موقعیتی اجتماعی ایجاد می‌شود که زبان در آن به کار برده می‌شود؛ مثلاً زبان در موقعیت دوستانه با موقعیت رسمی متفاوت است (هیلیدی^{۱۳} و دیگران، ۱۹۶۴: ۸۲-۸۵). به این گونه‌های زبانی سبک^{۱۴} نیز گفته می‌شود.

1. R. T. Bell
2. standardization
3. vitality
4. historicity
5. autonomy
6. reduction
7. mixture
8. de facto norms
9. variety
10. P. Trudgill
11. accent
12. dialect
13. M. A. K. Halliday
14. style

طبق تعریف، سبک مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی است که در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون به کار گرفته می‌شوند. گونه‌هایی از یک زبان که متناسب با بافت اجتماعی گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرند سبک‌های مختلف آن زبان به شمار می‌روند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۲۹). سبک‌های مختلف در هر زبان پیوستاری از غیررسمی‌ترین تا خشک‌ترین سبک رسمی را دربرمی‌گیرد (لاج^۱، ۱۹۸۳: ۱۷). البته تعداد گونه‌های سبکی در همه زبان‌ها یکسان نیست. برای مثال، مارتین جوس^۲ برای زبان انگلیسی پنج سبک مختلف پیشنهاد کرده و هاج^۳ برای زبان فارسی چهار سبک متفاوت قائل شده است (جوس، ۱۹۶۱: ۱۱).

به نظر هاج، در زبان فارسی به‌طورکلی دو سبک رسمی و غیررسمی وجود دارد که می‌توان برای هر یک از آن‌ها دو سطح جداگانه قائل شد: سبک محاوره‌ای، سبک محتاطانه، سبک رسمی عادی و سبک رسمی محترمانه (هاج، ۱۹۵۷: ۳۶۴) که دو سطح اول مربوط به سبک غیررسمی است. جداسازی سبک‌های مختلف در یک زبان کاری دشوار است؛ زیرا مرز روشن و قاطعی بین گونه‌های مختلف در پیوستار سبکی وجود ندارد (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۳۳). مجموعه این گونه‌های زبانی «گنجینه گفتاری»^۴ نامیده می‌شود و گویشوران زبان به این گنجینه تسلط دارند (ترادگیل، ۲۰۰۰: ۱۳۲). بنابراین، گنجینه زبانی شامل تمام گویش‌ها، سبک‌ها، لهجه‌ها و حتی زبان‌های متفاوتی است که اهل هر جامعه زبانی بسته به موقعیت‌های اجتماعی گوناگون به کار می‌برند (بوش^۵، ۲۰۱۲، به نقل از طبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۴). وقتی درون مرزهای سیاسی و جغرافیایی واحد، گونه‌های مختلف زبانی رواج دارد گونه زبانی مشترکی لازم است تا مردم بتوانند به کمک آن، به‌طور کامل یا با حداقل سوء تفاهم زبانی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (سارلی، ۱۳۹۹: ۳۵). پدید آمدن یا انتخاب «گونه زبانی مشترک» اغلب زاینده نیازهای اجتماعی، سیاسی، مهاجرت‌ها، غلبه نظامی و نفوذهای دینی و مذهبی است (اشر^۶، ۱۹۹۴: ۴۳۴۲). اندیشمندان نام‌های گوناگونی به این زبان مشترک داده‌اند: زبان مشترک (خانلری، ۱۳۶۲)، لهجه معتبر (باطنی، ۱۳۷۰)، زبان رسمی، زبان پذیرفته، لهجه رسمی، لهجه معیار، زبان سیاسی، زبان معدل (همگی از فرشیدورد، ۱۳۸۰)، زبان استانده (حق‌شناس، ۱۳۷۲)، گویش معیار (ترادگیل، ۲۰۰۰) و زبان معیار^۷. از

1. R. A. Lodge
2. M. Joos
3. C. Hodge
4. verbal repertoire
5. A. Busch
6. R. E. Asher
7. standard language

میان آن‌ها «زبان معیار» رایج‌تر است.

زبان معیار مفهوم ساده‌ای نیست و کاربردهای متنوعی دارد که باعث شده است تعریف‌های متعددی از آن ارائه شود. فرشیدورد (۱۳۳۳: ۶۱۰)، گاروین و ماتیو^۱ (۱۹۵۶: ۳۶۵-۳۷۴)، رای^۲ (۱۹۶۳: ۱۳۳)، فیسولد^۳ (۱۹۸۴: ۷۰)، میلروی و میلروی^۴ (۱۹۸۵: ۲۷)، اشر (۱۹۹۴: ۴۳۳۸)، خانلری (۱۳۶۲: ۸۴)، فرشیدورد (۱۳۸۰: ۵۶۴)، صادقی (۱۳۷۵: ۲۹-۴۰) و سارلی (۱۳۹۹: ۴۳) از جمله زبان‌شناسانی هستند که برای زبان معیار تعریف به دست داده‌اند. تعریف زیر از زبان معیار کم‌وبیش جامع است.

زبان معیار گونه‌ای معتبر از یک زبان است که بیشتر به وسیله گویندگان تحصیل کرده‌ای که در مراکز فرهنگی و سیاسی یک کشور زندگی می‌کنند به کار گرفته می‌شود. این گونه در ورای گونه‌های منطقه‌ای و اجتماعی قرار دارد و غالباً به عنوان زبان رسمی در آموزش، رسانه‌های گروهی، نوشتار و سایر موقعیت‌های مشابه مورد استفاده واقع می‌شود و گویندگان دیگر گونه‌های اجتماعی و جغرافیایی زبان می‌کشند به آن نزدیک شوند و در موقعیت‌های مناسب آن را به کار برند. (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۸۳)

برخی پژوهشگران ملاک‌هایی را برای زبان معیار برشمرده‌اند که در این بخش به سه مورد اشاره شده است.

یسپرسن^۵ هشت ملاک معیار قدرت^۶، معیار جغرافیا^۷، معیار ادبی^۸، معیار اشرافی^۹، معیار دموکراتیک^{۱۰}، معیار منطقی^{۱۱} و معیار زیبایی‌شناختی^{۱۲} را برای زبان معیار ذکر کرده است. از این میان، برخی درون‌زبانی هستند: ادبی و زیبایی‌شناختی یعنی گونه خاصی از زبان این ویژگی‌ها را به طور ذاتی دارد یا حداقل مردم این طور فکر می‌کنند و به همین دلیل، آن گونه پایگاه معیار پیدا می‌کند. برخی دیگر چون اقتدار، اشرافی و جغرافیا برون‌زبانی هستند؛ یعنی به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاربران آن گونه زبانی ربط دارند که به دلایلی مردم این گروه کاربران را برتر می‌شمارند؛ در نتیجه، زبان

1. P. Garvin & M. Mathiot
2. P. S. Ray
3. R. Fasold
4. J. Milroy & L. Milroy
5. O. Jespersen
6. the standard of authority
7. the geographical standard
8. the literary standard
9. the aristocratic standard
10. the democratic standard
11. the logical standard
12. the aesthetic standard

آن‌ها را به‌عنوان زبان معیار می‌پذیرند (یسپرسن، ۱۹۲۵، به‌نقل از روبین^۱، ۱۹۷۷: ۱۵۷-۱۷۹).

به‌باور گاروین و ماتئو، ویژگی‌های زبان معیار مجموعه‌ای از خصوصیات، نقش‌ها و نگرش‌هاست که می‌توان آن‌ها را به‌طور کلی به ویژگی‌های زبانی (ساختاری)، و غیرزبانی (نقش‌ها و نگرش‌ها) تقسیم کرد. گروه اول شامل ثبات انعطاف‌پذیر^۲ و دقت یا پختگی^۳ است. گروه دوم عبارت است از: چهار وحدت‌دهنده^۴، جداسازنده^۵، اعتباردهنده^۶ و مرجعیت^۷. زبان معیار میان گویندگان نوعی وحدت ایجاد می‌کند؛ در عین حال، خود را از زبان‌های مجاور و خویشاوند جدا می‌کند. همچنین برای گویندگان خود اعتبار اجتماعی می‌آفریند و به‌مثابه محکی برای تشخیص درستی یا نادرستی سخن و خلاقیت‌های ادبی استفاده می‌شود. این نقش‌ها سبب ایجاد سه نگرش وفاداری^۸، غرور و مباهات^۹ و آگاهی از هنجارها^{۱۰} در یک جامعه زبانی می‌گردد (گاروین و ماتئو، ۱۹۷۳: ۲۵).

سارلی نیز پنج ملاک خلوص^{۱۱}، زیبایی^{۱۲}، کارایی^{۱۳}، کفایت^{۱۴} و قابلیت پذیرش^{۱۵} را برای معیار به دست داده است (سارلی، ۱۳۹۹: ۱۱۷-۱۱۸).

در عصر حاضر، فارسی زبان معیار کشور ایران است. این زبان به‌خوبی در قالب تعریف‌ها و ملاک‌هایی که برای زبان معیار به دست داده شد، جای می‌گیرد. فارسی نه تنها از پشتوانه تاریخی چندصدساله برخوردار است و جزئی از هویت ایرانیان شمرده می‌شود، بلکه ابزار برقراری ارتباط و زبان میانجی^{۱۶} بین اقوام مختلف ساکن در ایران یعنی قوم‌های گُرد، لُر، بلوچ، گیلک و... است. فارسی همچنین زبان رسانه‌های رسمی، آموزش، علم و ادبیات است.

فارسی معیار گونه‌های مختلفی دارد که بارزترین آن گونه گفتاری و گونه نوشتاری است. گونه

1. J. Rubin
2. flexible stability
3. intellectualization
4. unifying function
5. separatist function
6. prestige function
7. frame of reference function
8. loyalty
9. pride
10. awareness of norms
11. purity
12. beauty
13. efficiency
14. adequacy
15. acceptability
16. lingua franca

نوشتاری فارسی معیار زیرگونه‌هایی دارد که از آن جمله می‌توان به نوشتار ادبی، نوشتار شکسته (غیررسمی و محاوره‌ای) و نوشتار علمی (مانند آنچه در مقاله‌های دانشگاهی دیده می‌شود) اشاره کرد. به همین قیاس، گونه گفتاری فارسی معیار نیز زیرگونه‌های مختلفی دارد و می‌توان آن را پیوستاری فرض کرد که در یک سر آن گونه محاوره‌ای (خودمانی) و در سر دیگر گونه رسمی (مانند سخنرانی‌ها) قرار می‌گیرد.

در هر زبانی دو گونه نوشتاری و گفتاری تفاوت‌های بارزی دارند. برای مثال، گفتار و نوشتار در وجه^۱ با هم تفاوت دارند؛ اینکه انتقال پیام در گفتار به وسیله صوت است؛ در حالی که در نوشتار از طریق نظام نوشتار و کاغذ و قلم انتقال پیام انجام می‌شود یا موضوع بداهه بودن گفتار در مقابل برنامه‌ریزی شده بودن نوشتار است. هلیدی و دیگران (۱۹۶۴) تفاوت‌های گفتار و نوشتار را بررسی کرده‌اند. همچنین براون و یول^۲ (۱۹۸۳)، باطنی (۱۳۵۵) و طیب‌زاده (۱۳۹۸) به تفاوت‌های گفتار و نوشتار اشاره کرده‌اند.

اکنون که مفاهیم مورد مطالعه این تحقیق را مرور کردیم کاربرد ضمیر فاعلی در دو گونه گفتاری و نوشتاری فارسی معیار را بررسی می‌کنیم.

چامسکی (۱۹۸۱) در تلاش برای تدوین دستور همگانی^۳ به اصل‌ها^۴ و پارامترها^۵ می‌پردازد. به باور وی، دستور همگانی ویژگی‌های بنیادی فراتر از داده‌ها و شواهد زبانی دارد؛ بنابراین، انتظار می‌رود که نظریه زبانی دربرگیرنده تعدادی اصل بنیادی و جهان‌شمول باشد که وجه اشتراک ساخت‌های زبان بشر هستند و ذهن انسان می‌تواند آن‌ها را فرا بگیرد. همچنین دستور همگانی شامل تعدادی پارامتر است و هر پارامتر دارای دو ارزش یا وضعیت است که زبان‌ها از بین آن دو، دست به انتخاب می‌زنند (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۴۱۸). ضمیرانداز^۶ یکی از این پارامترهاست و ویژگی زبان‌هایی است که می‌توان در آن‌ها نهاد جمله را در صورتی که ضمیر باشد حذف کرد بی‌آنکه از معنای جمله چیزی کم شود (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۳۳۶). زبان فارسی ضمیرانداز است و حذف ضمیر فاعلی غیرمؤکد در آن مجاز است. پارامتر ضمیراندازی با آثار پرمیوتر^۷ (۱۹۶۸، ۱۹۷۱) در مطالعات زایشی مطرح شد (بوشارد^۱،

1. mode
2. G. Brown & G. Yule
3. universal grammar
4. principles
5. parameters
6. pro-drop
7. D. Perlmutter

۱۹۸۴: ۱۳۹). براین اساس، آن زبان‌هایی مانند ایتالیایی و فارسی که ارزش مثبت این پارامتر را انتخاب می‌کنند، ضمیرانداز و زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسوی که ارزش منفی آن را برمی‌گزینند ضمیرناانداز^۲ نامیده شدند (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۴۱۹).

به نمونه‌های زیر توجه کنید.

۱. الف) کلاهش را از آن‌ها می‌گیرد.

ب) گفتم: «جدی می‌گین؟».

2. a) *takes his hat from them.

b) *said "Are you serious?"

همان‌طور که مشخص است جمله‌های (۱) در فارسی قابل قبول و دستوری هستند و اهل زبان فراوان مشابه آن‌ها را به کار می‌برند. درحالی‌که نظیر این جمله‌ها (مثال‌های ۲) در زبان انگلیسی نادستوری است و حذف ضمیر فاعلی در این زبان پذیرفته نیست.

باتوجه به اینکه فارسی زبانی با ترتیب فاعل-مفعول-فعل^۳ محسوب می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۴)، جایگاه بی‌نشان ضمیر فاعلی در آن پیش از فعل مفروض است.

پیشینه پژوهش درباره فاعل و انواع ضمیرها در فارسی را می‌توان در پژوهش‌هایی با موضوع‌های ترتیب سازه‌ها در زبان فارسی، جایگاه فاعل در زبان فارسی و نیز کاربرد ضمیرها در فارسی مشاهده کرد که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره شده است. باطنی (۱۳۴۸)، غلامعلی زاده (۱۳۷۴)، لازار^۴ (۱۳۸۴)، کوپر (۱۹۷۵)، بیرنر^۵ و ماهوتیان (۱۹۹۶)، ماهوتیان (۱۳۷۸)، درایر^۶ (۱۹۹۷) دبیرمقدم (۱۳۹۲)، راسخ‌مهند (۱۳۸۲، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷) و رابرتز^۷ و دیگران (۲۰۰۹). باوجوداین، کاربرد ضمیر فاعلی در گونه فارسی گفتاری معیار و مقایسه آن با گونه نوشتاری برای نخستین بار در پژوهش حاضر است که به‌طور مستقل بررسی شده است.

هدف این پژوهش مقایسه کاربرد ضمیر فاعلی در گونه گفتاری با گونه نوشتاری فارسی معیار است. با استفاده از پیکره‌های زبانی از داده‌های طبیعی گفتار رسمی و متون نوشتاری فارسی وضعیت کاربرد

1. D. Bouchard
2. non-pro-drop
3. SOV
4. G. Lazard
5. B. J. Birner
6. M. S. Dryer
7. J. R. Roberts

ضمیر فاعلی را بررسی می‌کنیم. با علم به اینکه فارسی ضمیرانداز است و ضمیر فاعلی در آن عموماً محذوف است، جمله‌هایی که در این پژوهش بررسی شده، مواردی است که ضمیر فاعلی در آن‌ها حذف نشده است. منظور ما از ضمیر فاعلی ضمیر منفصل است و واژه‌بست‌های ضمیری مدنظر نیست. فرضیه‌های این پژوهش به قرار زیر است:

۱. ضمایر فاعلی نسبت به دیگر ضمیرها در گونه نوشتاری فارسی معیار بیشتر از گونه گفتاری به کار می‌رود.
۲. نسبت استفاده از ضمیر فاعلی اول شخص (مفرد/جمع) در هر دو گونه گفتاری و نوشتاری فارسی معیار بیشتر از ضمایر دوم شخص و سوم شخص است.
۳. ضمیرهای فاعلی در گونه گفتاری و نوشتاری با الگوی متفاوتی به کار می‌روند، به این ترتیب که برخی از آن‌ها فقط در نوشتار یا فقط در گفتار استفاده می‌شود.

۲- روش پژوهش

این پژوهش توصیفی تحلیلی و پیکره‌بنیاد است و به منظور کشف و استخراج روال‌ها و الگوها از داده‌های طبیعی گفتاری و نوشتاری فارسی معیار از روش‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای بهره برده است. حجم نمونه فارسی نوشتاری معیار در این پژوهش از پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی (رسولی، کوهستانی و مولودی، ۲۰۱۳) استخراج شده است. پیکره مذکور شامل ۲۹۹۸۲ جمله برچسب‌خورده برگرفته از منابع مختلفی از متون فارسی معاصر است و از چند جهت برای این پژوهش مناسب است. ۱. متن‌های استفاده‌شده در آن از تنوع کافی برخوردار است و فقط به نوعی متن خاص، مانند متن اخبار منتشرشده در روزنامه همشهری، منحصر نیست.

۲. امکان جست‌وجو در آن هم برحسب اجزای سخن (مقوله) و هم براساس رابطه وابستگی (نقش دستوری) وجود دارد.

۳. سامانه جست‌وجوی مستقلی برای آن طراحی شده (<http://search.dadegan.ir/>) که برخط و رایگان در دسترس است و از سرعت و دقت خوبی برخوردار است.

حجم نمونه گونه گفتاری معیار فارسی نیز از منابع زیر استخراج شده است.

۱. پیکره فارسی گفتاری هم‌بام (هیگ^۱ و راسخ‌مهند، ۲۰۲۲): این پیکره بخشی از پیکره

حاشیه‌نویسی شده و چندزبانه متن‌های گفتاری به نام مالتی-کست^۱ (هیگ و اشنل^۲، ۲۰۲۲) است و مجموعه‌ای شامل متون گفتاری حاشیه‌نویسی شده از ۱۶ زبان مختلف است.

۲. مصاحبه‌های وبسایت تاریخ شفاهی فرهنگ و هنر و ادب معاصر ایران (آرته، <https://artebox.ir>). این مصاحبه‌ها به صورت صوتی و تصویری در دسترس و رایگان است.

۳. مصاحبه‌های تاریخ شفاهی ایران در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد (<https://library.harvard.edu/collections/iranian-oral-history-project>)؛ متن پیاده‌شده مصاحبه‌ها بدون ویرایش دستوری در مجموعه ۲۰ جلدی به صورت فایل‌های پی‌دی‌اف در دسترس است. متن مصاحبه‌ها از وبسایت iranhistory.net نیز قابل برداشت است.

۴. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی که به صورت فایل‌های html در وبگاه مرکز پژوهش‌های مجلس (<https://rc.majlis.ir>) و به صورت فایل پی‌دی‌اف در سایت روزنامه رسمی جمهوری اسلامی (<https://www.rrk.ir>) در دسترس است.

داده‌های این منابع در موقعیت‌هایی مانند مصاحبه، روایت داستان یا خاطره به صورت بداهه و طبیعی توسط گویشوران زبان فارسی تولید شده است و هیچ کدام در موقعیت‌های از قبل تعیین شده شکل نگرفته‌اند. به علاوه، هیچ یک از متن‌ها ترجمه شده نیست و از روی نوشته خوانده نشده است. همچنین گونه گفتاری مورد مطالعه گونه معیار با درجه رسمیت بالاست و دیگر گونه‌های فارسی گفتاری مانند گفت‌وگوهای دوستانه و خودمانی، گونه رایج بین نوجوانان و مانند آن را شامل نمی‌شود.

برای استفاده از داده‌های گفتاری گردآوری شده، چندین مرحله طی شد. به طور خلاصه، پس از گردآوری و پیاده‌سازی، متن مصاحبه‌ها تقطیع و به واحدهای کوچک‌تر بند مرکب^۳ یا بند شکسته شد. در مرحله بعد ویژگی‌های کلی هر بند اعم از معناداری، خوش ساخت بودن و مانند آن تعیین شد؛ سپس سازه‌های تشکیل دهنده هر یک مشخص شد. در گام‌های بعد ترتیب مقوله دستوری هر سازه و نقش آن در بند معین شد.

جدول‌های (۱) تا (۵) مراحل تقطیع بندها و مشخص کردن مقوله‌ها و نقش‌های دستوری را به ترتیبی که گفته شد نشان می‌دهد. در جدول (۱)، بندها تفکیک شده و ویژگی‌های کلی هر یک مشخص شده

1. Multi-CAST
2. S. Schnell
3. clause complex
4. clause

است.

جدول (۱). تقطیع متن گفتاری به بندها و تعیین ویژگی‌های کلی بند

بند مرکب بند	نشان‌دار	بامعنی	فعل دارد	دستوری	بند ساخت	خبری / پرسشی / امری	منفی
clause_clausecplx	marked	meaningful	verb_included	grammatical	illformed	decl_ques_imp	negative
یک آقایی داشته از درخت گلابی می‌چیده	۰	۱	۱	۱	۰	خبری	۰
بعد از درخت می‌آید پایین	۰	۱	۱	۱	۰	خبری	۰
سید گلابی‌ها را می‌گذارد آن پایین	۰	۱	۱	۱	۰	خبری	۰
از توی پیش‌بندش درمی‌آورد گلابی‌ها را	۱	۱	۱	۱	۰	خبری	۰

در جدول (۲)، مشخصات اصلی فعل هر بند اعم از زمان، جهت (معلوم/مجهول) و غیره به دست داده شده است.

جدول (۲). تعیین ویژگی‌های کلی فعل هر بند

بند مرکب بند	زمان	متعدی	مجهول	سببی	فعل ساده	فعل بند	صورت مصدری
clause_clausecplx	tense	verb_transitive	verb_passive	verb_causative	verb_simple	verb_clause	infinitive_form
یک آقایی داشته از درخت گلابی می‌چیده	حال	۱	۰	۰	۱	داشته می‌چیده	چیدن
بعد از درخت می‌آید پایین	حال	۰	۰	۰	۰	می‌آید پایین	پایین آمدن
سید گلابی‌ها را می‌گذارد آن پایین	حال	۱	۰	۰	۱	می‌گذارد	گذاشتن
از توی پیش‌بندش درمی‌آورد گلابی‌ها را	حال	۱	۰	۰	۱	درمی‌آورد	درآوردن

در جدول (۳)، نمونه تقطیع هر بند به سازه‌های آن نشان داده شده است.

جدول (۳). تقطیع هر بند به سازه‌های تشکیل دهنده آن

بند مرکب بند	سازه ۱	سازه ۲	سازه ۳	سازه ۴	سازه ۵
clause_clausecplx	c1	c2	c3	c4	c5
یک آقایی داشته از درخت گلابی می‌چیده	یک آقایی	داشته	از درخت	گلابی	می‌چیده
بعد از درخت می‌آید پایین	بعد	از درخت	می‌آید پایین		
سید گلابی‌ها را می‌گذارد آن پایین	سید گلابی‌ها	را	می‌گذارد	آن پایین	
از توی پیش‌بندش درمی‌آورد گلابی‌ها را	از توی پیش‌بندش	درمی‌آورد	گلابی‌ها	را	

در جدول (۴)، مقوله سازه‌های هر بند به ترتیب مشخص شده است.^۱

۱. در این مرحله برای راحت‌تر شدن کار با داده‌ها علائم اختصاری به کار رفته است. مواردی که در جدول (۴) آمده به این شرح است. گ ح: گروه حرف اضافه، گ: گروه اسمی، ف: فعل، ف کمکی: فعل کمکی، پس ا: پس اضافه، وژب: ضم: واژه‌بست ضمیری.

جدول (۴). نمونه تعیین مقوله‌ واژگانی سازه‌های هر بند

بند مرکب_بند	مقوله سازه ۱	مقوله سازه ۲	مقوله سازه ۳	مقوله سازه ۴	مقوله سازه ۵
clause_clausecplx	cc1	cc2	cc3	cc4	cc5
یک آقایی داشته از درخت گلابی می‌چیده	گ ا	ف کمکی	گ ح ا	گ ا	ف
بعد از درخت می‌آد پایین	گ ح ا	ف			
سبد گلابی‌ها را می‌گذارد آن پایین	گ ا	پس ا	ف	گ ا	
از توی پیش‌بندش درمی‌آورد گلابی‌ها را	گ ح ا + وژب_ضم	ف	گ ا	پس ا	

در جدول (۵)، می‌بینیم که نقش دستوری سازه‌های هر بند جداگانه به دست داده شده است.^۱

جدول (۵). تعیین نقش دستوری سازه‌های هر بند

بند مرکب_بند	نقش سازه ۱	نقش سازه ۲	نقش سازه ۳	نقش سازه ۴	نقش سازه ۵
clause_clausecplx	cf1	cf2	cf3	cf4	cf5
یک آقایی داشته از درخت گلابی می‌چیده	فا	ف کمکی	متمم ف	مف ص	محمول
بعد از درخت می‌آد پایین	متمم ف	محمول			
سبد گلابی‌ها را می‌گذارد آن پایین	مف ص	نشانه مف	محمول	متمم ف	
از توی پیش‌بندش درمی‌آورد گلابی‌ها را	متمم ف	محمول	مف ص	نشانه مف	

برای بررسی کاربرد ضمائر فاعلی در فارسی نوشتاری از امکانات سایت دادگان بهره گرفته شد. در

این پیکره ضمیر به انواع مختلفی دسته‌بندی شده که در جدول (۶) آمده است.

جدول (۶). انواع ضمیر در پیکره وابستگی نحوی

ضمیر	من، تو، او، آنان، ایشان، ما، شما و ...
ضمیر اشاره	آن، این
ضمیر متقابل	یکدیگر، همدیگر
ضمیر پرسشی	چه، چی، کجا و ...
ضمیر شخصی جدا	من، تو، او، آنها، وی و ...
ضمیر شخصی پیوسته	انواع ضمائر متصل که به صورت واژه‌بست ظاهر می‌شوند
ضمیر بازتابی مشترک	خود
ضمیر بازتابی غیرمشترک	خودشان، خودم، خودش

در پژوهش حاضر اعضای مجموعه‌های ضمیر، ضمیر اشاره، ضمیر شخصی جدا، ضمیر بازتابی

۱. در این مرحله نیز برای اینکه کار با داده‌ها ساده‌تر شود علائم اختصاری به کار رفته است. مواردی که در جدول (۵) آمده به این شرح است. فا: فاعل، ف کمکی: فعل کمکی، متمم فعل: هر موضوع اصلی فعل بند به جز مفعول صریح و مفعول غیر صریح، مف ص: مفعول صریح، محمول: فعل اصلی بند، نشانه مف: نشانه مفعول که مشخصاً پس اضافه «را» است.

مشترک و ضمیر بازتابی غیرمشترک ذیل دسته کلی ضمیر قرار داده شد، به این دلیل که پیش‌بینی می‌شد چنین تقسیم‌بندی‌ای باعث پیچیدگی بی‌مورد تحلیل شود. ضمیر پرسشی نیز پرسش‌واژه تلقی می‌شود؛ بنابراین، ذیل تقسیم‌بندی ضمیر قرار نگرفت. از آنجاکه «ضمیر متقابل» و «ضمیر شخصی پیوسته» نمی‌توانند نقش فاعلی در جمله ایفا کنند، آن‌ها نیز از این مطالعه کنار گذاشته شدند. در نهایت، برای سهولت مقایسه نتایج به‌دست‌آمده از پیکره‌های گفتاری و نوشتاری، دسته‌بندی ضمیرها در هر دو گروه داده‌های گفتاری و نوشتاری به‌طور یک‌دست مرتب شد تا با هم منطبق باشند.

۳- تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا نتایج به‌دست‌آمده از داده‌های گفتاری و نوشتاری سپس مقایسه آن‌ها با هم به دست داده شده است.

۳-۱ کاربرد ضمیر فاعلی در فارسی گفتاری معیار

در مجموع، ۱۵۰۰ بند از داده‌های فارسی گفتاری معیار (از هر منبع ۳۵۰ بند) بررسی شد. این پیکره ۱۱۶۴۹ واژه دارد و کل ضمایی که در این جملات آمده، ۲۲۶ مورد است. برای این پژوهش بندهای فاعل‌آغازی در نظر گرفته شد؛ منظور بندهای با ترتیب کلی فاعل-مفعول-فعل/فاعل-فعل-مفعول است. همچنین جمله‌های بدساخت و/یا نادرستی نیز کنار گذاشته شد. به این ترتیب، ۱۲۱۹ بند باقی ماند. تعداد ضمائر فاعلی در آن ۱۱۶ مورد بود. جمله‌های شماره (۳)، نمونه‌هایی از جملاتی است که از پژوهش کنار گذاشته شدند.

۳. الف) بیشتر از خونمون دیگه توی اون سال‌ها ما تو تالار نقش زندگی می‌کردیم. (آرته باکس)

ب) لذا حداکثر ۶ ماه را ما پیشنهاد داریم که حذف شود. (مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۸)

مجموع فاعل‌ها، شامل ضمائر و دیگر مقوله‌ها مانند گروه اسمی، گروه اسمی مرکب و غیره در کل جمله‌ها ۵۱۴ مورد و در جمله‌های فاعل‌آغازی ۴۲۰ فاعل است.

جدول (۷). تعداد ضمیرها، ضمیرهای فاعلی و کل فاعل‌ها در داده‌های گفتاری پژوهش

تعداد فاعل‌ها	ضمیرهای فاعلی	تعداد کل ضمیرها	
۵۱۴	۱۳۸	۲۲۶	در تمام بندها
۴۱۶	۱۱۶	۱۸۳	در بندهای فاعل‌آغازی

کاربرد ضمائر فاعلی و نسبت آن‌ها به کل ضمیرها و فاعل‌ها را در جدول زیر می‌بینیم.

جدول (۸). نسبت ضمیرها، ضمیرهای فاعلی و کل فاعل‌ها در داده‌های گفتاری پژوهش

درصد کاربرد	نسبت کاربرد ضمیر فاعلی به تمام فاعل	نسبت کاربرد ضمیر فاعلی به تمام ضمیرها	در نقش‌های مختلف	انواع فاعل‌ها	فاعل
			در تمام بندها	٪ ۲۷	٪ ۳۴
			در بندهای فاعل‌آغازی	٪ ۲۸	٪ ۳۷

همان‌طور که مشاهده می‌شود بیش از نیمی از ضمیرهای استفاده‌شده در گفتار در نقش فاعلی ظاهر شده‌اند؛ درحالی‌که کاربرد ضمیر در نقش فاعل کمتر از یک‌سوم کل انواع مقوله‌های دستوری است که در نقش فاعل در داده‌های گفتاری به کار رفته است. به بیان دیگر، اکثر ضمیرهای استفاده‌شده در گفتار در نقش فاعل به کار رفته‌اند.

داده‌های این پژوهش جایگاه اول را در جمله‌های فارسی گفتاری به‌منزله محل اصلی ظهور ضمیر فاعلی در بندهای فاعل‌آغازی تأیید می‌کند، تنها یک‌چهارم (۲۵ درصد) ضمیر فاعلی در جایگاه‌هایی غیر از جایگاه آغازی مشاهده شد. جمله‌های (۴)، نمونه‌هایی از کاربرد ضمیر فاعلی در جایگاه‌های مختلف را به دست می‌دهد.

۴. الف) من پونزده اسفند ۱۳۴۵ توی همین خونه به دنیا اومدم. (آرته باکس)

ب) خلاصه این‌ها می‌ریزند، خیلی کلیشه‌ای. (پیکره گفتاری هم‌بام)

پ) ای خدا، این مشکل ایجاد می‌کند. (مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۸)

ت) و اصولاً هم ما دختر به کسی که زن داشته باشد نمی‌دهیم. (تاریخ شفاهی هاروارد)

ث) جلوتر که رفتند و پسر که راه افتاد این‌ها پسر بچه‌ها جلوتر که آمدند کلاه پسر را پیدا کردند. (پیکره گفتاری هم‌بام)

انواع ضمیرها طبق جدول (۹) به دست آمد. ردیف سوم این جدول نسبت کاربرد انواع ضمیرهای فاعلی به تمام ضمیرها را در بندهای فاعل‌آغازی گونه گفتاری فارسی معیار به دست می‌دهد.

جدول (۹). کاربرد انواع ضمیرها در داده‌های گفتاری پژوهش

من	ما	این	این‌ها	او	اون	وی	ایشان	ایشون	آنها	آنان	این	اینا	اونان	ان	و	شما	خود/خوشد.	همه
۴۲	۲۲	۱۹	۱۴	۳	۱	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۱	۴	۲	۳	۲
۳۵۵	۱۹	۱۹	۱۱	۲	۱	۰	۰	۰	۱۵	۰	۰	۱۵	۰	۱	۳	۱۵	۲۵	۱۵

(۱)

۲-۳ کاربرد ضمیر فاعلی در فارسی نوشتاری معیار

در این بخش کاربرد ضمیر فاعلی در داده‌های نوشتاری بررسی شده است. پیکره وابستگی نحوی دارای

۲۹۹۸۲ جمله برچسب‌خورده از منابع مختلف متون فارسی معاصر است و تعداد کل واژه‌های این پیکره ۴۹۸۰۸۱ است. جست‌وجوی اولیه در سامانه دادگان ۴۳۰۳ جمله شامل ضمیر با رابطه فاعلی به دست داد که انواع مختلف جمله را در برمی‌گرفت: جمله‌های فاعل‌آغازی، جمله‌های با ترتیب غیر از فاعل - مفعول - فعل / فاعل - فعل - مفعول (غیر فاعل‌آغازی)، جمله‌هایی که در آن ضمیر به‌عنوان هسته بند موصولی به کار رفته و جمله‌های اسنادی که ضمیر در آن‌ها به عنوان مسندالیه آمده، و جمله‌هایی که ضمیر در آن‌ها نقشی غیر از فاعل داشت. تمام جمله‌های غیر فاعل‌آغازی و اسنادی و همه آن‌هایی که ضمیر در آن‌ها در نقشی غیر از فاعل جمله به کار رفته بود از پژوهش حاضر کنار گذاشته شد. نمونه‌هایی از آن‌ها در جمله‌های (۵) آورده شده است.

۵. الف) این زن‌ها رو من بهتر از شما می‌شناسم. (غیر فاعل‌آغازی)

ب) وی پیغامبر خدای است. (جمله اسنادی)

پ) آن که گمان کرده است که به روشنی رسیده به پس از مرگ فکر می‌کند. (هسته بند موصولی)

ت) تقاضا برای آن قابل توجه است. (نقشی غیر از فاعل)

به این ترتیب، برای اینکه نتایج حاصل از دو پیکره گفتاری و نوشتاری قیاس‌پذیر با هم باشد، تنها جمله‌هایی از پیکره نوشتاری در نظر گرفته شد که ضمیر منفصل در آن‌ها به صورت مستقل در نقش فاعل ظاهر شده است.

در پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی در مجموع، ۲۱۸۸۱ فاعل و ۱۳۰۷۱ ضمیر آمده که کلاً ۳۹۳۸ ضمیر منفصل در نقش فاعلی در جمله‌های با ترتیب کلی فاعل - مفعول - فعل / فاعل - فعل - مفعول به کار رفته است. لازم است ذکر شود که تفکیک جمله‌های فاعل‌آغازی و غیر فاعل‌آغازی در کل پیکره مقدور نبود. در نتیجه، امکان مقایسه نسبت کاربرد ضمیر فاعلی در این جمله‌ها، مانند آنچه در جدول‌های (۷) و (۸) آورده شد، وجود نداشت.

جدول (۱۰). تعداد ضمیرها، ضمیرهای فاعلی و کل فاعل‌ها در داده‌های نوشتاری پژوهش

تعداد فاعل‌ها	ضمیرهای فاعلی	تعداد کل ضمیر	در تمام جمله‌ها
۲۱۸۸۱	۳۹۳۸	۱۳۰۷۱	

خلاصه‌ای از کاربرد ضمیر فاعلی و نسبت آن به کل ضمیرها و فاعل‌ها را در جدول (۱۱) می‌بینیم.

جدول (۱۱). نسبت استفاده از ضمیرها، ضمیرهای فاعلی و کل فاعل‌ها در داده‌های نوشتاری پژوهش

نسبت کاربرد ضمیر فاعلی به تمام ضمیرها در نقش‌های مختلف	نسبت کاربرد ضمیر فاعلی به تمام انواع فاعل‌ها	درصد کاربرد فاعل
۳۰٪	۱۸٪	۷۳٪

در تمام بندها

کاربرد ضمیرهای مختلف در نقش فاعل در جمله‌های فاعل‌آغازی در گونه نوشتاری طبق جدول (۱۲) نشان داده شده و ردیف سوم آن نسبت ضمیرهای فاعلی مختلف به تمام ضمیرها را به دست می‌دهد.

جدول (۱۲). کاربرد انواع ضمیرها در داده‌های نوشتاری پژوهش

جمع	من	ما	او	آنها	این	وی	ایشان	ایشان	آن	این‌ها	اینک	ایا	ایا	این	آن	و	شما	خودنوعش	همه
۹۶	۸۴	۵۶	۵۶	۲۵	۰	۱۱۹	۸۹	۰	۴۴	۱۷	۵	۰	۰	۳۳	۷	۱۸۱	۵۵	۱۵۳	۵
نسبت کل فاعل‌های (۱)	۲۴	۲۲	۱۴	۷	۰	۵	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۵	۱۵	۴	۰

به‌منظور بررسی میزان استفاده از ضمیرهای فاعلی در جایگاه‌های مختلف جمله راهی جز بررسی تک تک جمله‌ها در پیکره نحو وابستگی وجود ندارد یا دست‌کم نگارنده روش دیگری پیدا نکرد. به‌دلیل وقت‌گیر بودن این روش در نهایت از آن صرف‌نظر شد.

۳-۳ مقایسه کاربرد ضمیر فاعلی در فارسی گفتاری با فارسی نوشتاری

در این بخش مشاهدات به‌دست‌آمده از دو مجموعه داده با هم مقایسه و تلاش شده است نتایج حاصل تحلیل و تبیین شود.

نخستین گام، مقایسه میزان کاربرد ضمیرها در نقش فاعل و نقش‌های غیر از آن در داده‌های موردبررسی است. همان‌گونه که در جدول (۱۳) می‌بینیم در فارسی نوشتاری تقریباً ۷۰٪ بیشتر از فارسی گفتاری از ضمیر در نقشی غیر از فاعل استفاده شده است. با توجه به طبیعت گفتار که در آن معمولاً فرستنده و گیرنده هر دو حاضر هستند و انتقال پیام در لحظه صورت می‌گیرد، و با در نظر گرفتن این نکته که هدف کلی از به‌کارگرفتن ضمیر ارجاع به کسی یا چیزی است، می‌توان پیش‌بینی کرد که استفاده از ضمیر در گونه گفتاری به اندازه گونه نوشتاری ضرورت پیدا نمی‌کند. بنابراین، آنچه در مشاهدات به‌دست‌آمده منطقی به نظر می‌رسد.

در ستون چهارم جدول (۱۳) نکته جالبی به دست آمده است؛ نسبت کاربرد ضمیر فاعلی به تمام ضمیرها در گفتار دوبرابر بیشتر از مقدار آن در نوشتار است. این در حالی است که تعداد کل ضمیرها در گفتار فارسی به مقدار قابل‌ملاحظه‌ای از نوشتار کمتر است. به بیان دیگر، با توجه به اینکه فارسی زبانی

ضمیرانداز است، می‌توانیم نتیجه بگیریم اغلب ضمیرهایی که در گونه گفتاری فارسی معیار استفاده می‌شوند برای تأکید بر فاعل است؛ در صورتی که در گونه نوشتاری معیار این‌طور نیست و کاربرد بیش از نیمی از ضمیرها (۷۰٪) در آن در نقش‌هایی غیر از فاعل است.

جدول (۱۳). مقایسه کاربرد ضمیرها و ضمیرهای فاعلی در داده‌های گفتاری و نوشتاری پژوهش

نسبت ضمیر به کل واژه‌ها	نسبت ضمیر به تعداد بندها	نسبت کاربرد ضمیر فاعلی به تمام ضمیرها در نقش‌های مختلف	
۱/۹٪	۱۵٪	۶۱٪	فارسی گفتاری
۲/۶٪	۴۳/۵٪	۳۰٪	فارسی نوشتاری

به این ترتیب، فرضیه اول پژوهش، ضمیر فاعلی نسبت به دیگر ضمیرها در فارسی نوشتاری معیار بیشتر از گونه گفتاری به کار می‌رود، رد می‌شود؛ زیرا مطابق مشاهدات مبتنی بر داده، فقط یک‌سوم ضمیر در فارسی نوشتاری معیار در نقش فاعل به کار رفته است.

همچنین نسبت کاربرد فاعل به‌طور کلی و فارغ از نوع مقوله دستوری آن در نوشتار و گفتار اختلاف چشمگیری دارد. در جمله‌های فارسی نوشتاری ظهور فاعل تقریباً دو برابر بیشتر از فارسی گفتاری است. این مشاهده در جدول (۱۴) گزارش شده است.

جدول (۱۴). مقایسه کاربرد فاعل در گفتار و نوشتار

فارسی گفتاری	فارسی نوشتاری	
۳۴/۲٪	۷۳٪	کاربرد فاعل

اکنون کاربرد انواع ضمیر منفصل در نقش فاعلی در گفتار و نوشتار فارسی را با هم مقایسه می‌کنیم. جدول (۱۵)، نسبت ضمیر فاعلی مختلف به کل ضمیرهای فاعلی در جمله‌های فاعل‌آغازی هر دو گونه فارسی را به دست می‌دهد.

جدول (۱۵). مقایسه کاربرد انواع ضمیرها در گفتار و نوشتار

من	ما	این	اینها	او	اون	وی	ایشان	ایشون	آنها	آنان	اینان	اینها	او	آن	تو	شما	خود/نخوش	همه	
۳۵۵	۱۹	۱۹	۱۱	۲	۱	۰	۰	۰	۱۵	۰	۰	۱۵	۰	۰	۱	۳	۱۵	۲۵	۱۵
۲۴	۲۲	۱	۰	۱۴	۰	۵	۲	۰	۷	۱	۰	۰	۰	۰	۵	۱۵	۴	۰	۰

از این مقایسه دو نکته به دست می‌آید. نخست آنکه هم در فارسی گفتاری و هم در فارسی نوشتاری ضمیرهای اول شخص (مفرد و جمع) به‌طور چشمگیری بیشتر از بقیه به کار رفته است. در

داده‌های گفتاری در مجموع ۵۴/۵ درصد و در نوشتاری ۴۶ درصد از ضمیرهای «من» و «ما» استفاده شده است. به این ترتیب، فرضیه دوم پژوهش، نسبت به کارگیری ضمیر فاعلی اول شخص در هر دو گونه گفتاری و نوشتاری فارسی بیشتر از ضمیر دیگر است، تأیید می‌شود.

نکته دوم آن است که در فارسی گفتاری ضمیرهای اشاره (آن، اون، آن‌ها، این‌ها، اینا و این) با اختلاف بیشتر از فارسی نوشتاری استفاده شده است. کاربرد ضمیرهای مذکور در گونه گفتاری ۳۴ درصد و در گونه نوشتاری تنها ۸ درصد بوده است. این اختلاف را نیز با توجه به طبیعت گفتار می‌توان تبیین کرد. به این ترتیب که در گفتار بافت موقعیتی و مشارکان در کلام حاضر هستند و اینکه به چیزهایی در فاصله نزدیک (این، این‌ها، اینا) یا در فاصله دور (آن، اون، آن‌ها) اشاره شود، دور از انتظار نیست. در مقابل، در نوشتار به دلیل اینکه برای ارجاع فقط ابزارهای زبانی در اختیار گوینده و شنونده وجود دارد، نمی‌توان مانند گفتار با دست‌باز به مصادیق موجود در بافت موقعیتی در فاصله‌های دور یا نزدیک اشاره کرد.

گفتنی است که نتایج به دست داده شده درباره فرضیه دوم، روند کلی داده‌های این پژوهش را نشان می‌دهد که ممکن است با آنچه جداگانه در هر منابع داده، به ویژه منابع داده گفتاری، دیده می‌شود، متفاوت باشد. به این دلیل، برای اینکه بتوان درباره این فرضیه گزاره‌ای با قطعیت بیشتر به دست داد، لازم است پیکره‌های متنوعی از داده‌های فارسی گفتاری بررسی شود. کاربرد ضمیرهای اول، دوم و سوم شخص به تفکیک منابع در جدول (۱۶) به دست داده شده است.

جدول (۱۶). کاربرد ضمیرهای اول، دوم و سوم شخص به تفکیک منابع

منابع داده	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
۱ آرتِه_آریا اقبال	٪ ۷۱/۵	٪ ۷	٪ ۲۱/۵
۲ پیکره هم‌بام	٪ ۶	٪ ۰	٪ ۹۴
۳ مذاکرات مجلس شورای اسلامی	٪ ۶۸	٪ ۳	٪ ۲۹
۴ هاروارد_دولت‌شاهی	٪ ۴۶	٪ ۰	٪ ۵۴
نوشتاری پیکره وابستگی نحوی	٪ ۴۶	٪ ۲۰	٪ ۳۴

از چهار منبع داده‌های گفتاری دو منبع مصاحبه (منابع ۱ و ۲)، یک منبع روایت داستان یک فیلم کوتاه (منبع ۲) و دیگری (منبع ۳) گفت‌وگوی جمعی (دو نفر و بیشتر) است. در دو منبع ۱ و ۲ موضوع مصاحبه بیشتر فعالیت‌ها و سرگذشت فرد مصاحبه‌شونده است. بنابراین، طبیعی است که در این دو متن میزان ارجاع به شخص اول بیشتر باشد. همچنین با توجه به ماهیت داده‌های پیکره هم‌بام (منبع ۲)،

می‌توان حدس زد بیشترین ارجاع‌ها به شخص دیگر یعنی سوم‌شخص (مفرد/جمع) مربوط باشد. همان‌طور که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود فقط در پیکره هم‌بام ضمائر سوم‌شخص با اختلاف قابل توجه بیشتر از بقیه ضمائر، به‌ویژه اول‌شخص، به کار برده شده است. در منبع ۴، ضمیرهای سوم‌شخص از اول‌شخص‌ها بیشتر هستند؛ ولی این اختلاف کم است (فقط ۸٪). بنابراین، ژانر/سبک از جمله عواملی است که در کاربرد انواع ضمیر مؤثر است. تجمیع مشاهدات داده‌های گفتاری، و داده‌های نوشتاری که شامل متن‌های متنوع است، پیش‌بینی‌ها درباره کاربرد ضمیر فاعلی در هریک از منابع و همچنین فرضیه دوم را تأیید می‌کند.

اکنون الگوی کاربرد ضمیرهای فاعلی در دو گونه فارسی گفتاری و نوشتاری معیار را با هم مقایسه می‌کنیم. منظور از الگوی کاربرد ضمیرها آن است که نخست، بررسی شود طبق داده‌ها چه ضمیری در این دو گونه به کار رفته است و دوم اینکه آیا با هم متفاوت هستند یا خیر. فرضیه سوم پژوهش آن است که در گفتار و نوشتار فارسی الگوهای متفاوتی از ضمیرها استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر مجموعه زیر به‌منزله ضمیرهای به‌کاررفته در داده‌های گفتاری و نوشتاری پذیرفته شده است.

مجموعه ضمائر = {من، تو، او، اون، آن، وی، ما، شما، ایشان، ایشان، اونا، آن‌ها، این‌ها، اینا، اینان، خود، خودم، خودش، خودت، خودمان، خودتان، خودشان، همه}

باتوجه به نتایجی که در جدول (۱۵) به دست داده شد، ضمیرهای «وی»، «ایشان» و «آنان» فقط در نوشتار به کار رفته و ضمیرهای «اون» و «اینا» تنها در گفتار استفاده شده‌اند. صورت‌های {اون، اینا، اونا و ایشان} متناظر گفتاری ضمائر {آن، آن‌ها، این‌ها، ایشان} هستند. بنابراین، نمی‌توان نتیجه گرفت که ظهور «ایشان» در نوشتار و به‌کاربردن آن در گفتار نشانگر الگوی خاصی در کاربرد آن است. اما درمورد ضمیر سوم‌شخص مفرد «وی» می‌توان چنین ادعایی کرد؛ زیرا در داده‌های فارسی گفتاری معادلی برای آن دیده نشد.

به این ترتیب، باتوجه به مشاهدات و تحلیل‌های پژوهش، تنها فرقی که ضمیرهای به‌کاربرده شده در داده‌های گفتاری و نوشتاری دارند این است که «وی» مختص نوشتار است. واضح است که با استناد به این مشاهده نمی‌توان مدعی شد الگوی متفاوتی در کاربرد ضمیرها در فارسی گفتاری و نوشتاری معیار به دست آمده است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، کاربرد ضمیر فاعلی در دو گونه گفتاری و نوشتاری فارسی معیار با استفاده از پیکره داده‌های گفتاری و نوشتاری بررسی شد و کاربرد ضمیر فاعلی در این دو گونه با هم مقایسه شد. نتایج به دست آمده به شرح زیر است.

در فارسی نوشتاری استفاده از فاعل تقریباً دو برابر فارسی گفتاری است؛ (۷۴ درصد در مقابل ۳۴/۲ درصد). بررسی علت چنین تفاوتی در کاربرد فاعل و اساساً مطالعه فاعل در فارسی گفتاری درخور پژوهشی مستقل است و می‌تواند نتایج ارزشمندی درباره ترتیب سازه‌های فارسی گفتاری به دست دهد. این نگارنده در پژوهش‌های بعدی خود بنا دارد جایگاه فاعل در فارسی گفتاری و نسبت آن با فارسی نوشتاری و همچنین ترتیب سازه‌ها در گونه گفتاری فارسی معیار را جداگانه بررسی کند.

میزان استفاده از ضمیر در فارسی گفتاری (۱/۹۶ درصد) و فارسی نوشتاری (۲/۶ درصد) تفاوت زیادی با هم ندارد. بنابراین، می‌توان گفت در هر دو گونه گفتاری و نوشتاری فارسی معیار تقریباً به یک میزان از ضمیر استفاده می‌شود. اما آنچه درخور توجه است نسبت استفاده از ضمیر فاعلی است که با اختلاف چشمگیری در گفتار بیشتر است. برخلاف انتظار، در گونه نوشتاری دوسوم ضمیرها (۷۰ درصد) در نقش‌های مختلف غیر از فاعل به کار رفته‌اند؛ درحالی‌که در گونه گفتاری بیش از نیمی از ضمیرها (۶۱ درصد) فاعلی هستند. بنابراین، با توجه به ضمیرانداز بودن فارسی می‌توان گفت در فارسی گفتاری بیشتر ضمیرها برای تأکید بر فاعل استفاده می‌شوند. اگر در نظر بگیریم که در گفتار گوینده و شنونده در بافت موقعیتی حاضرند و به این دلیل، نیاز به ارجاع به جز در مواردی که گوینده بر فاعل تأکید دارد کمتر از نوشتار است، نتیجه به دست آمده منطقی به نظر می‌رسد. به همین قیاس در هر دو داده گفتاری و نوشتاری ضمیرهای اول شخص «من» و «ما» به مقدار قابل ملاحظه‌ای بیش از ضمیرهای دیگر به کار رفته است. این دو ضمیر در فارسی گفتاری ۵۴/۵ درصد و در گونه نوشتاری ۴۶ درصد کل ضمیرها را به خود اختصاص داده است. به این ترتیب، فرضیه نخست پژوهش مبنی بر بیشتر بودن کاربرد ضمیر فاعلی در نوشتار نسبت به گفتار رد و فرضیه دوم، کاربرد بیشتر ضمیرهای فاعلی اول شخص در هر دو گونه گفتاری و نوشتاری تأیید شد.

نکته در خور توجه دیگری که در مقایسه کاربرد انواع ضمیرها به چشم آمد، اختلاف استفاده از ضمیرهای اشاره (آن، اون، آن‌ها، این‌ها، اینا و این) در گونه گفتاری نسبت به گونه نوشتاری است. کاربرد ضمیرهای مذکور در گونه گفتاری ۳۴ درصد و در گونه نوشتاری تنها ۸ درصد بوده است. این

تفاوت تأثیر ژانر و سبک را در کاربرد انواع ضمیر به‌خوبی نشان می‌دهد. همچنین می‌توان این مشاهده را با توجه به حاضر بودن مشارکان سخن در بافت موقعیتی و امکان اشاره به مصادیقی در فاصله‌های دور و نزدیک توضیح داد؛ اما اگر در پژوهشی جداگانه و با استفاده از پیکره‌های سبک‌های متنوع گفتاری چنین مقایسه‌ای انجام شود می‌توان دقیق‌تر درباره آن اظهار نظر کرد.

در ادامه، الگوی کاربرد ضمیرها در گفتار و نوشتار بررسی شد که با توجه به مجموعه مفروض ضمیرها شامل {من، تو، او، اون، آن، وی، ما، شما، ایشان، ایشان، اونا، آن‌ها، این‌ها، اینا، اینان، خود، خودم، خودش، خودت، خودمان، خودتان، خودشان، همه} تنها یک ضمیر را می‌توان گفت که مختص یکی از دو گونه است؛ ضمیر «وی» که فقط در نوشتار به کار می‌رود. مطالعه تاریخی آن ممکن است نتایج جالبی در پی داشته باشد و معلوم کند چرا «وی» معادلی در فارسی گفتاری ندارد. ضمیرهای «ایشان» و «آنان» تنها در نوشتار و ضمیر «اون» و «این» فقط در گفتار مشاهده شدند؛ اما با توجه به اینکه صورت‌های {اون، اینا، اونا و ایشان} متناظر گفتاری {آن، آن‌ها، این‌ها، اینان، و ایشان} هستند نمی‌توان نتیجه گرفت که ظهور «ایشان» در نوشتار و به‌کارنبردن آن در گفتار نشانگر الگوی خاصی در کاربرد آن است. به‌این ترتیب، با توجه به آنچه بیان شد، تنها تفاوتی که در الگوی کاربرد ضمیرها در داده‌های گفتاری و نوشتاری وجود دارد، اختصاص «وی» به گونه نوشتاری است. روشن است که با استناد به این یک مورد نمی‌توان مدعی شد الگوی متفاوتی در کاربرد ضمیرها در فارسی گفتاری و نوشتاری معیار به دست آمده است.

دستاوردهای این پژوهش می‌تواند در بررسی‌های مقایسه‌ای فارسی گفتاری و نوشتاری، و در مطالعه عناصر گفتمانی در گونه فارسی گفتاری و آموزش زبان فارسی راهگشا باشد.

منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۵). چهار گفتار درباره زبان. تهران: آگاه.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۰). مسائل زبان‌شناسی نوین. چاپ سوم. تهران: آگاه.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۲). در جستجوی زبان علم. زیر نظر علی کافی، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، (صص ۱۲۶-۱۴۰). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. تهران: سمت.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). زبان‌شناسی نظری. تهران: سمت.

- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۲). قلب نحوی در زبان فارسی. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۵). شیوه نشان‌دادن فاعل و مفعول در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، ۲۱ (۱-۲)، ۸۵-۹۶.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۷). ضمایر تکراری در زبان فارسی. *دستور (نامه فرهنگستان)*، ۱۰ (۴)، ۱۸۳-۱۸۹.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۹۹). *زبان فارسی معیار*. تهران: نشر هرمس.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۷۵). زبان معیار. زیر نظر نصرالله پورجوادی، *درباره زبان فارسی*، (۲۹-۴۰). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۹۵). *فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۸). *مبانی و دستور خط فارسی شکسته: بر مبنای صد سال آثار داستانی و نمایشی (۱۲۹۸-۱۳۹۷)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴). *ساخت زبان فارسی*. تهران: احیاء کتاب.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۰). *لغت‌سازی و وضع ترجمه اصطلاحات علمی و فنی*. تهران: حوزه هنری.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی*. ۲ ج. تهران: امیرکبیر.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی معاصر*. مترجم: مهستی بحرینی. تهران: هرمس.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. مترجم: مهدی سمائی. تهران: نشر مرکز.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۲). *زبان‌شناسی و زبان فارسی*. تهران: توس.

References

- Asher, R. E. (Ed.). (1994). *The encyclopedia of language and linguistics*. London: Pergamon Press.
- Batani, M. R. (1969). *A description of the syntactic structure of the Persian language*. Tehran: Amir Kabir (In Persian).
- Batani, M. R. (1976). *Four articles on language*. Tehran: Agah (In Persian).
- Batani, M. R. (1991). *Problems of the New linguistics*. Tehran: Agah (In Persian).
- Bell, R. T. (1976). *Sociolinguistics goals, approaches and problems*. B. T. Batsford.
- Birner, B. J., & Mahootian, S. (1996). Functional constructions in inversion in English and Farsi. *Language Science*, 18(1-2), 127-136. [https://doi.org/10.1016/0388-0001\(96\)00011-3](https://doi.org/10.1016/0388-0001(96)00011-3)
- Bouchard, D. (1984). *On the content of empty categories*. De Gruyter.
- Brown, G., & Yule, G. (1983). *Discourse analysis*. Cambridge University Press.
- Chomsky, N. (1981). *Lectures on government and binding*. Dordrecht: Foris.
- Cooper, W. E., & Ross, J. R. (1975). Word order. In R. E. Grossman, L. G. San & T. J. Vance (Eds.), *Papers from the Para-Session on Functionalism* (pp. 63-111). Chicago Linguistic society. <https://doi.org/10.22124/plid.2017.2473>
- Dabir Moghaddam, M. (2013). *The typology of the Iranian languages*. Tehran: SAMT (In

- Persian).
- Dabir Moghaddam, M. (2014). *Theoretical linguistics*. Tehran: SAMT (In Persian).
- Dryer, M. S. (1996). Word order typology. In J. Jacobs (Ed.), *Handbook On Syntax* (Vol. 2, pp. 1050–1605). DeGruyter Publishing.
- Farshidvard, K. (1995). *Generating words and translating scientific and technical terms*. Tehran: Hoze Honari (In Persian).
- Farshidvard, K. (1984). *On literature and literary critic* (2 Vols.). Tehran: Amir Kabir (In Persian).
- Fasold, R. (1984). *The sociolinguistics of society*. Oxford, Blackwell.
- Garvin, P., & Mathiot, M. (1968). Urbanization of Guarani language: A problem in language and culture. In J. A. Fishman (Ed.), *Readings in Sociology of Language* (pp. 365-374). Berlin, Boston: De Gruyter. <https://doi.org/10.1515/9783110805376.365>
- Gholamalizade, K. (1995). *The structure of Persian language*. Tehran: Ehya-e Ketab (In Persian).
- Hagh Shenas, A. M. (1993). In search of the language of science. In Ali Kafi (Ed.), *Proceedings of the Persian Language and the Language of Science* (pp. 126-140). Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi (In Persian).
- Haig, G., & Rasekh-Mahand, M. (2022). HamBam corpus description. In G. Haig & M. Rasekh-Mahand (Eds.), *HamBam: Hamedan-Bamberg Corpus of Contemporary Spoken Persian*. (<https://multicast.aspra.uni-bamberg.de/resources/hambam/>)
- Haig, G., & Schnell, S. (Eds.) (2022). *Multi-CAST: Multilingual corpus of annotated spoken texts*. Version 2207. Bamberg: University of Bamberg. (multicast.aspra.uni-bamberg.de/) (date accessed).
- Halliday, M. K. A., McIntosh, A., & Stevens, P. (1968), The users and use of language. In J. A. Fishman (Ed.), *Readings in the Sociology of Language* (pp. 139-169). The Hague, Mouton.
- Halliday, M. A. K. (1985). *Spoken and written language*. Oxford University Press.
- Hodge, C. (1957). Some aspects of Persian style. *Language*, 33(3), 355-369. <https://doi.org/10.2307/411158>
- Joos, M. (1961). *The five clocks*. New York: Harcourt, Brace and World.
- Lazard, G. (2005). *Contemporary Persian grammar* (M. Bahreini, Trans.). Tehran: Hermes (In Persian).
- Lodge, R. A. (1993). *French: from dialect to Standard*. Routledge.
- Milroy, J., & Milroy, L. (1985). *Authority in language*. London, Routledge and Kegan Paul.
- Mahootian, S. (1999). *Persian grammar: A typological perspective* (M. Samaee, Trans.). Tehran: Markaz Publication (In Persian).
- Modarresi, Y. (2012). *An introduction to sociolinguistics* (3rd ed.). Tehran: The Institute for Cultural Researches and Studies (In Persian).
- Natel Khanlari, P. (1983). *Linguistics and Persian language*. Tehran: Toos (In Persian).
- Rasekh Mahand, M. (2003). *Scrambling in Persian*. PhD Thesis in Linguistics, Allame Tabataba'i University (In Persian).
- Rasekh Mahand, M. (2006). Representation of subject and object in Persian. *Linguistics*,

- 21(1-2), 85-96 (In Persian).
- Rasekh Mahand, M. (2008). Repetitive pronouns in Persian. *Grammar (Name-i farhangistan)*, 10(4), 183-189 (In Persian).
- Rasooli, M. S., Kouhestani, M., & Moloodi, A. S. (2013). Development of a Persian syntactic dependency treebank. *The 2013 Conference of the North American Chapter of the Association for Computational Linguistics: Human Language Technologies (NAACL HLT)*, Atlanta, USA.
- Ray, P. S. (1963). *Language standardization*. The Hague, Mouton.
- Roberts, J. R., Barjasteh Delforooz, B., & C. Jahani. (2009). *A study of Persian discourse structure*. Uppsala: Uppsala Universitet.
- Rubin, J. (1977). Language standardization in Indonesia. In J. Rubin, B. H. Jemudd, J. Das Gupta, J. A. Fishman & C. A. Ferguson (Eds.), *Language Planning Processes* (pp. 12-21). The Hague, Mouton. <https://doi.org/10.1515/9783110806199.157>
- Sadeghi, A. A. (1996). Standard language. In N. Pour Javadi (Ed.), *On Persian Language* (pp. 29-40). Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi (In Persian).
- Sarli, N. Gh. (2020). *Standard Persian*. Tehran: Hermes (In Persian).
- Tabatabai, A. (2016). *Persian descriptive dictionary*. Tehran: Farhang-e Moaser (In Persian).
- Tabibzade, O. (2019). *Fundamentals and grammar of colloquial Persian based of 100 years of stories and plays (1298-1397)*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies (In Persian).
- Trudgill, P. (2000). *Sociolinguistics: An introduction to language and Society*. Penguin Books.
- Ure, J. (1971). Lexical density and register differentiation. In G. Perren and J. L. M. Trim (Eds.), *Applications of Linguistics* (pp. 443-452). London: Cambridge University Press.

